

# بگوشه



## زور مردم به خرید نمی‌رسد!

گرائی اقلام اساسی اعم از گوشت، مرغ و نان در ۲ ماه اول تابستان ۱۴۰۲

«ص ۴»

## سخن سر دیر

### ندای خاموش حق از قجر تا همین امروز

«فَاقْصِصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» قصه‌ی گذشتگان با ایشان بگوی! باشد که تفکر کنند.» سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۷۶

مشروطه از آن قصه‌هاست که باید آن را گفت تا بلکه این تجربه‌ی ماندنی، اندکی ما را به فکر وا دارد. مشروطه حکایت ملامتی است که فریاد حق مرد خدا را نشنیدند و او را تنها به جرم اینکه هواخواه مشروطه‌ی مشروعه بود، به دار آویختند. در آذر ماه ۱۲۷۸ شیخ فضل‌الله نوری، کسی که خود پیش‌قدم‌تر از هر کسی برای مشروطه بود، علیه مشروطه برخاست. این عالم حق‌بین به محض اینکه ردپایی از آرمان‌های غربی و ضد دین را در مشروطه یافت، بنای مخالفت با آن را برداشت. در مقابل او روشنفکران و آخوندهایی که از دین فقط لباس آن را بر تن داشتند، صف بستند و تا توانستند بر او تازیدند. آن‌ها بصیرت خود را به انگلیس پیشکش کرده‌بودند. به قول رهبری یک عده‌ای دودستی مشروطه را تقدیم انگلیس‌ها کردند و مشروطه آن شد که دنبالش رضاخان بود و پنجاه سال، شصت سال عقب‌ماندگی این کشور.

انگلیسی‌ها از طریق مشروطه و رنگ و لعاب دادن به آزادی، ذهن برخی از آخوندهای معمم را مسموم کردند و آن‌ها را در مقابل یکدیگر قرار دادند. عده‌ای مشروطه‌خواه و عده‌ای دیگر مشروطه‌ی مشروعه‌خواه. ایستادگی شیخ فضل‌الله نوری در مقابل این آزادی برخاسته از غرب، سبب شد تا در نهایت آخوندهای فاسد آن زمان حکم اعدام او را صادر کنند. شیخ آزادی و دموکراسی را در قالب مبانی دینی قبول داشت و جبهه‌ی حامی انگلیس بدون آن‌که بدانند داشتند فاتحه‌ی اسلام را در کشور خود می‌خواندند. مشروطه آمده‌بود تا شیعه را براندازد. شیخ اما در مقابل همه‌ی اهانت‌ها و هتک حرمت‌هایی که علیه او صورت گرفت تا بلکه ایشان را از موضع خود منصرف کند ایستاد. این دفاع ملامت‌دردآلود شیخ از اسلام و تشیع در عرصه‌ی سیاست سبب شد که امروز اپوزیسیون کینه‌ی او را به دل بگیرد؛ چون می‌داند فریاد خاموش حق شیخ تا امروز نیز به گوش می‌رسد. انگلیس در آن زمان با آزادی، معممین را فریب داد؛ امروز هم با همین شگرد جوانان ایران را به دام خود می‌کشاند. رهبری هم به این نکته اشاره کردند که: «شما وقتی وارد مقوله‌ی آزادی در مشروطیت می‌شوید - که یک مقوله‌ی خیلی پرچین‌جالی و شلوغی هم هست - می‌بینید همان گرایش ضد کلیسائی در غرب که شاخصه‌ی مهم آزادی بود، در اینجا هم به عنوان ضد مسجد و ضد روحانیت و ضد دین بروز پیدا می‌کند.» ملامت‌های پیرو غرب بعدها چوب حماقت خود را خوردند؛ کما اینکه هم رژیم منحوس پهلوی و هم انسان‌های به‌اصطلاح روشنفکر آن سوی مرزها با همین آزادی بر زمین گرم خوردند. آزادی تپی از معنا! آزادی‌ای که آن‌ها می‌گویند یعنی مقابله با دین و کمرنگ جلوه‌دادن بُعد اسلامی جمهوری اسلامی ایران.

با آزادی پوشش به میدان آمدند، حجاب را زیر پا له کردند و در محرم ۱۴۴۵ پا را از گلیم خود فراتر گذاشتند و به ساخت مقدس ابعبدالله‌الحسین (ع)، مجالس روضه و پرچم مبارک ایشان حمله کردند. جوانی را هم که غیرت دینی به خرج داد و مقابل این جماعت نادان ایستاد، به طرز فجیعی به شهادت رساندند. سراسر تناقض است این آزادی!

با همین آزادی پوشالی چه بسیار پادشاهان تاریخ را فریفتند؛ با همین آزادی حق را ناحق جلوه‌دادند؛ با همین آزادی به جنگ با اسلام برخاستند؛ با همین آزادی حجاب اسلامی را نابود کردند و با همین آزادی جوانانی را به کام مرگ فرستادند.

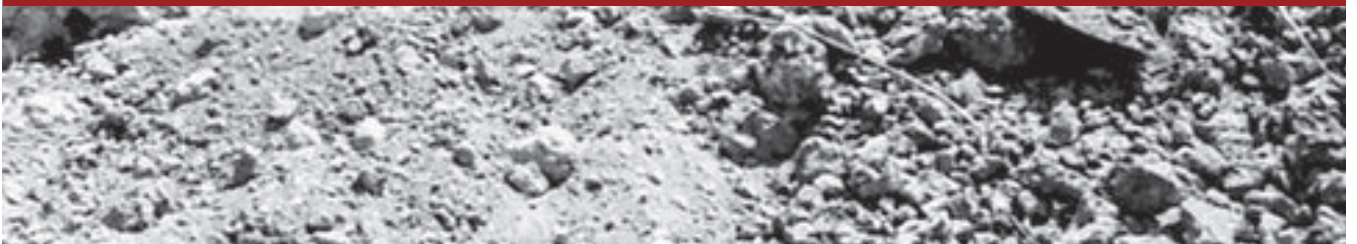
مرداد قصه‌ی تجربه‌هاست. تجربه‌ی عزت و استقلال ایران با صدور فرمان مشروطیت در سال ۱۲۸۵، تجربه‌ی ذلت‌بار دراز کردن دست دوستی معمم با انگلیس و تجربه‌ی اعتماد خفت‌بار به آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و البته تکرار یک حادثه‌ی تلخ در حرم شاهچراغ در ۲۲ مرداد ۱۴۰۲.

رقیه خادم‌نیا

این شماره از بی‌تعارف با افتخار تقدیم می‌شود به: مصطفی مازح، جوان مؤمن عضو حزب‌الله لبنان، که در راه ترور سلمان رشدی شهید شد؛ اما صدای لیبیک او به امام امت و به گوش جهان رسید.



قاب سیزدهم: ۵ مرداد سالروز عملیات افتخارآفرین مرصاد و شکست جبران ناشدنی منافقین از انقلاب ایران



# مشروطه را مشروع می‌خواهیم!

نقش شیخ فضل‌الله نوری در روند نهضت مشروطه

● فاطمه خلیلی یگانه - کارشناسی تاریخ

نهایت قوانین را بر اساس قانون کشورهای اروپایی مثل انگلیس و... تدوین کردند. شیخ فضل‌الله نوری به اعتراض برمی‌خیزد. یادآور می‌شود که ما به دنبال مشروطه‌ی مشروع هستیم؛ یعنی مشروطیتی که مشروعیت داشته باشد. بی‌گمان قوانین فرانسه، بلژیک و... برای ملت متدین ایران مشروعیتی که اسلام دارد را دارا نیست. متذکر شد که قوانین کشور مسلمان نیز باید بر اساس اسلام باشد.

در این میان روشنفکرانی حضور داشتند که عملاً پایگاه مردمی نداشتند؛ ولی به‌خوبی بر جایگاه علما در جامعه آگاه بودند. آن‌ها جنگ روانی علیه شیخ فضل‌الله نوری به راه انداختند. در همین راستا مشروطه را به دو بخش «مشروطه» و «مشروطه‌ی استبدادی» تقسیم کردند. نوری را در دسته‌ی طرفدار استبداد قرار دادند. او از پای ننشست و ابتدا در خانه، سپس میدان اعدام و مدرسه‌ی مروی شروع به فعالیت کرد که در برابر او مقاومت می‌کنند و پس از آن همان ماجرای تحصنی را رقم می‌زند که پیش‌تر به آن اشاره کردیم.

شیخ فضل‌الله نوری را سرانجام به اتهام مدافع استبداد به دار آویختند. مشروطه‌ی اسلامی با این جنایت شکست خورد. در پی قتل نوری، مشروطه‌ی غربی پیروز شد. چنان‌که، پس از آن نمایندگان مجلس و رجال دولت غالباً در اختیار معاندین بودند. پیامد دیگر قتل این عالم مبارز، منزوی شدن علما بود. همچنین جامعه را اختناق فرا گرفت. رسانه‌ها، مطبوعات، مدارس و عموماً دولت به دست انگلیس و روس افتاد.

تنباکو برای رهایی مردم جنبش عدالتخواهی را برپا کرد، حال در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) برای سرکوب مستقیم رژیم، تحصن می‌کند. تلاش او برای اصلاح مصوبات خلاف شرع و برچیدن نوع آزادی که مبتنی بر اندیشه‌های دموکراسی غربی است، مؤثر نبود. گفته شده‌است تحصن شیخ با دیگر علما و متدینین، نود روز طول کشید. همچنین در این هنگام، نوری با انتشار روزنامه‌ای سعی کرد مواضع خود را شرح داده و شایعات را تکذیب کند. وی نشان داد که با آزادی مخالفتی ندارد؛ لیکن با آزادی‌پرستی غربی و نظریه‌ی سیاسی دموکراسی اروپایی، مخالف است. آزادی که در آن شریعت اسلام سر بریده‌شود را نپذیرفتند و بر مواضع خود تأکید کردند.

عده‌ای از کج‌اندیشان، شدند مشروطه‌خواهان سکولار و در مقابل آن‌ها، عالمان و متدینینی قرار گرفتند که اسلام را رأس دادخواهی خود قرار دادند. فی‌الواقع شیخ و یاران او، علیه مشروطه‌خواهی، جریان مشروطه‌خواهی را به راه انداختند. لیکن مبارزات شیخ با دستگیری او، سپس تبعید صغیر ایشان، به اعدام ختم شد. از زمانی که شیخ فضل‌الله نوری، دخالت انگلیس و بیگانگان را در مشروطه‌خواهی دید، بر مشروطیت مشروع تأکید سرسختانه‌ای نمود.

علما در ابتدا در پی راه‌اندازی عدالت‌خانه‌ای بودند که ناظر بر کار دولت باشد؛ اما در ادامه عنوان مشروطه به میان آمد. به دستور مظفرالدین شاه قاجار، در مجلس قید شد که از برخی جریان‌ها واژه‌ی «اسلامی» حذف شود. برای نوشتن قانون در مجلس اول و در

شیخ فضل‌الله نوری، عالم برجسته‌ی شیعه و مبارز عصر قاجار بود. هنگامی که فقر و ناعدالتی با ستمگری علنی علیه مردم، در جامعه نشانگر استبداد حکومت رأس بود، نوری از رهبران نهضت مشروطیت می‌شود. مدتی طول نکشید که آتش مبارزه‌ی علما علیه دخالت بیگانگانی چون انگلیس، سرد شد. علت آن، سمی شدن مجلس شورای ملی توسط رویکرد سکولاریسم و وجود دست‌اندرکاران و مالکانی بود که طرفدار انگلیس بیگانه بودند؛ لیکن مبارزی که نتوانست چشم روی بی‌قانونی و فقر مردم بیندود درحالی‌که از او به عنوان عالم برجسته‌ی شیعه یاد می‌کنند، بر دادخواهی خود باقی ماند.

نوری دریافت که دیگر صحبت از آزادی حقیقی نیست، بلکه با پوشش دموکراسی، قصد سربریدن شریعت اسلام وجود دارد. شعارهایی که از برابری می‌دهند، فریبی بیش نیست که در پس زیبایی آن، قوانین و دستورات اسلام نفی می‌شود. مفهوم آن آزادی در مقابل استبداد نبود، ولو این‌که آن را دموکراسی خوانند. آزادی غربی آن‌ها، خود به نوعی استعمار معنا می‌شد. لذا، عالمی که روزی رهبری نهضت مشروطه را داشت تبدیل به کسی شد که همچنان رهبر مانده ولی وظیفه‌ی رهبری او، ضدیت با نهضت است.

شیخ فضل‌الله، ضمن آن‌که مواضع اسلامی را تشریح و آشکار ساخت، مبارزه با معاندان اسلام را ادامه داد. چنان‌که در پی مبارزه‌ی سرسختانه‌ی خود، در آستانه‌ی حرم مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) تحصن کرد. عالمی که در عصر ستم زمامداران قاجار پس از نهضت

# زور مردم به خرید نمی‌رسد!

گرانی اقلام اساسی اعم از گوشت، مرغ و نان در ۲ ماه اول تابستان ۱۴۰۲

● نرگس خطیب - کارشناسی زیست گیاهی



حالا پای فساد به واردات خوراک رسیده‌است. برای کنترل این معضل هم باید تدابیر جدی اتخاذ شده تا مشکلات مردمی بیشتر از این نشود. حداقل درخواست مردم از مسئولین و نمایندگان مجلس ایجاد ثبات و کنترل قیمت‌هاست؛ قرار بود با واردات گوشت قرمز از سایر کشورها تا حد زیادی قیمت‌ها کنترل شده و یا حتی کاهش یابد؛ اما چه اتفاقی افتاده که باز هم این مهم حاصل نشده است؟

در این میان شاید بتوان گریزی هم به احتمال احتکار این کالاها در جهت گران‌فروشی طی هفته‌های بعد یا حتی قاچاق محصولات احتکار شده زد. ادامه‌دار شدن این روند چون تأثیر و نتیجه‌ای اجتماعی دارد، باعث ایجاد ناامیدی در مردم و از دست رفتن آرامش روانی اجتماع شده و با هر تغییر ممکن است با مسائلی تنش‌زا روبه‌رو شد و این امر اصلاً به صلاح کشور، اقتصاد و مسائلی از این دست نیست. در مواجهه با مسائلی این‌چنینی که شاید بتوان گفت هر سال تکرار می‌شود باید تدبیری دائمی توسط مسئولین گرفته شود.

به اپوزیسیون جمهوری اسلامی می‌دهد تا با پرداختن به این مشکلات، شاهد فصل جدیدی از اغتشاشات باشیم. در این میان سؤال اساسی اینجاست که آیا لازم است مسئولین تدبیری برای این وضع نابسامان اندیشیده تا آن را مرتفع سازند؟ ضمن اینکه ساز و کاری باید ایجاد شده تا میزان مصرف و تولید را با هم برابر کرده و مردم به صورت متداول شاهد این کمبودها نباشند. البته مجلس هم باید در میدان حاضر باشد و بر عملکرد وزارت‌خانه‌ها نظارت داشته و در صورت کم‌کاری برخورد جدی صورت گیرد. از طرفی نمایندگان با در نظر گرفتن بودجه‌ی درخور و کافی می‌توانند از لحاظ نقدینگی به دولت کمک کرده و مانع از بهانه‌های واهی چون کمبود بودجه و نقدینگی بشوند. مسئله‌ی دیگر آن است که باید به میزان توزیع و بازاررسانی نظارت بسیار ویژه‌ای شود و بهتر آن است که در این زمینه از اتحادیه‌ها و تشکلات استفاده‌ی بهینه شود.

نکته‌ی مهم دیگر آن است که کشور چندین سال است با مشکل فساد و رانت‌خواری در همه‌ی زمینه‌ها مواجه شده و

مردم این روزها متحمل شرایط بد اقتصادی زیادی شده‌اند. گرانی اقلام اساسی نظیر گوشت، مرغ و نان باعث شده سفره‌ی مردم بیش از پیش در تنگنا قرار گرفته و در گذران زندگی با مشکل مواجه بشوند. قابل درک است که کشور در مصاف تحریم‌های بی‌شماری قرار گرفته و از این جهت تحت فشار است؛ اما بخشی از این گرانی‌ها وابسته به موارد مختلفی است؛ کوتاهی وزارت جهاد کشاورزی در جهت حل کردن مشکلات مرغداران و دامداران باعث شده تا تولیدکنندگان نتوانند نهاده‌ی مورد نیاز را به قیمت مناسب تهیه کرده و مجبور به خرید آزاد نهاده‌باشند و جبران این خرید آزاد از جیب مصرف‌کننده تأمین می‌شود. از سوی دیگر کاهش جمعیت دام باعث گرانی گوشت قرمز در چند ماهه‌ی اخیر شده و این امر اثرات زیادی در گرانی مرغ داشته‌است. به نحوی که با افزایش قیمت گوشت، سرانه‌ی مصرف مرغ بالاتر از قبل رفته و همین امر در کم شدن مرغ و گرانی آن اثر گذاشته‌است.

یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی که در همه‌ی زمان‌ها کشور ما با آن روبه‌رو بوده‌است، عدم کنترل و نظارت بر بازار است. وقتی که عملاً نظارتی در کشور وجود ندارد و با متخلفین و گران‌فروشان برخورد جدی و قاطعی صورت نگیرد، باید هم شاهد این نوسان‌های قیمتی در بازار بود. البته باید پرسید این بی‌ثباتی بازار و فشار آوردن به سفره‌ی مردم آن هم در آستانه‌ی سالگرد اغتشاشات امری طبیعی و روندی عادی محسوب می‌شود یا خیر؟ این فشارهای اقتصادی و رها کردن بازار و مردم به حال خودشان این امکان را

# قُلُوبُهُمْ مَعَكَ وَ سَيُوفُهُمْ عَلَيْكَ

امام حسین (ع) را آن گونه که است می بینیم یا آن گونه که می خواهیم؟

● نرگس علینقیان - کارشناسی جامعه‌شناسی

عبارت عجیب اما واقعی است. امروز نیز ما دچار همین عبارت شده‌ایم. با عبارت‌هایی نظیر «بگذارید حسین در قلب ما بماند»، او را در پستوهای دل رها کرده و تفسیرهای ما که حکم شمشیر علیه او دارد را تیز کرده‌ایم. مردم زمان حسین نیز او را دوست داشتند؛ اما تفسیرهای غلط آن‌ها سبب شد تا امام حاضر خود را در نیابند، تصمیم اشتباه بگیرند و یک عمر در حسرت و پشیمانی اطاعت نکردن از ولی خود، بسوزند.

امروزه نیز با سیاسی‌نکردن قیام امام حسین (ع)، دچار همین تنگ‌نظری‌ها شده‌ایم. به‌جد که کل یوم عاشورا و کل أرض کربلا است و ما هر روز با تفسیرهای خودساخته‌ی خود یک قدم از حسین حقیقی دور می‌شویم. درد امروز شیعه همین است و درمان آن در فهم حقیقی معنای حسین و درک ولایت‌پذیری او است. کوفیان آن روز ولی حاضر خود را نشناختند و بنا بر تفسیر ناصحیح خود شمشیرها را علیه او صیقل دادند. باشد تا کربلایی دیگر بر صفحه‌ی تاریخ رقم نخورد.

سخن را با جملاتی از سید شهیدان اهل قلم به پایان می‌برم:

«زمانه‌ی عجیبی است. برخی مردمان، امام گذشته را عاشق‌اند، نه امام حاضر را. می‌دانی چرا؟ امام گذشته را هرگونه که بخواهند تفسیر می‌کنند؛ اما امام حاضر را باید فرمان برند و کوفیان این‌گونه عاشورا را رقم زدند...»

حسین‌های متکثر که از حقایقی چون ظلم‌ستیزی و ولایت‌مداری به دور است، مطلوب‌تر است. حال آن‌که حسین (ع) از زبان اینان با حسین (ع) از زبان حسین (ع)، به اندازه‌ی فاصله‌ی آسمان و زمین دور است. حسین تفسیرهای مصادره به مطلوب، حسینی است که تنها مظلوم بود و می‌بایست بر غم او اشک ریخت؛ اما نپرسید که چرا و به چه دلیل چنین ظلمی بر او روا رفت. حسینی که غریب بود و نباید سؤال کرد که سیل نامه‌های نوشته‌شده از برای چه بود. حسین تفسیرهای این جماعت، حسینی است که تنها در گوشه‌ای در نهان قلب وجود دارد و به رسم هر سال محرم، تنها بر او اشک می‌ریزند؛ اما نمی‌پرسند چرا و اگر بررسی چرا، سریع گارد می‌گیرند و با عبارت «امام حسین را سیاسی نکنید»، کج‌فهمی خود را به صورت تو می‌زنند.

این‌گونه کج‌فهمی‌ها، نه فقط در عصر امروز بلکه در زمان حسین (ع) نیز وجود داشت. تفسیرهای نامبارکی که منجر شد افرادی که شوق حسین (ع) را داشتند، به او پشت کنند و بنا بر تفسیر آن‌ها او را در برهه‌ای حساس از تاریخ تنها گذارند. نقل است که فرزدق در دیداری که با سیدالشهداء (ع) داشت، امام (ع) به او گفت: «از مردمی که پشت سر تو هستند (منظور کوفیان است) به من خبر بده.» فرزدق گفت: «قُلُوبُ النَّاسِ مَعَكَ وَ أَسْيَافُهُمْ عَلَيْكَ. دل‌های مردم با تو است و شمشیرهای آن‌ها علیه تو!»

«امام حسین رو سیاسی نکنید»، «بذارید امام حسین برای ما بمونه»، «هرکس امام حسین رو یه جور دوست داره» و... به قطع چنین جملاتی کم و بیش هر سال و به یقین محرم امسال بیش از پیش به گوش شما خورده‌است. هرکس به زعم خود گمان می‌کند که مفهوم عاشورای سال ۶۱ هجری قمری را به خوبی دریافته‌است. ملالی نیست. هرکس به شکلی شهید نینوا را در دل خود جا می‌دهد و به‌گونه‌ای متفاوت از دیگری او را دوست می‌دارد. این ذات بشر است که می‌خواهد تفسیر او با دیگری به شکلی دیگر باشد؛ اما آیا این حسین‌های متکثر می‌توانند ذات حقیقی حسین (ع) را بازگو کنند؟ در طول تاریخ و در مقاطعی که وقایعی بزرگ و قابل تأمل رخ می‌دهند، همواره افرادی نیز در صحنه حضور دارند که از حادثه‌ی رخ داده‌شده به نفع خویش بهره ببرند و تفسیری ارائه دهند که از مفهوم بسیار دور است. حتی اگر آن واقعه، واقعه‌ی عظیمی چون عاشورا باشد. بسیاری تنها از واقعه‌ی کربلا، مصیبت عظیمی که بر اهل بیت (ع) وارد شد را می‌گیرند و به‌گریه بر آن در گوشه‌ای از هیئات و روضه‌ها بسنده می‌کنند و با جملاتی که در سطر نخست شروع کردم، خود و دیگری را قانع می‌سازند که در فهم این واقعه عمیق‌تر نشوند؛ اما دسته‌ای خطرناک‌تر از اینان، کسانی‌اند که عالم به عمق واقعه‌اند؛ اما نمی‌خواهند که ذات حقیقی حسین (ع) را بر آدمیان نمایان کنند. برای اینان

## لاتبرد ابداً

محرم حرمت دارد و شهید حسین پورها پای این پرچم همچنان ایستاده‌اند!

زهرا محمدی - کارشناسی زبان و ادبیات فارسی

از منبر شب دوازدهم دستگیر شد. از این دست مثال‌ها کم در تاریخمان نداریم! مرحوم زرری‌باف، یکی از مداحان آن دوره، نقل کرده‌بود که امام (ره) از طریق شهید عراقی فرموده‌بودند: «وقایعی را که الآن در کشور می‌گذرد، به‌صورت نوحه و شعار بسرایید و در جلسات خودتان مطرح کنید.» در ادامه‌ی همین مسیر، راهپیمایی عاشورای سال ۱۳۴۳ را با حضور شهید مهدی عراقی داریم که یکی از محورهای آن، مقابله با ذلت‌پذیری در برابر دشمنان اسلام بود و درگیری و زد و خورد با پلیس و دستگیری سی‌وهشت نفر را به همراه داشت.

از دیرباز، محرم و صفر و هیئت‌ها، شور و شعور را (نه فقط برای قشری خاص) که

انقلاب، هویتی اسلامی داشت. آن‌ها با دین مشکل داشتند. مخالف دین بودند؛ پس مخالف انقلاب اسلامی هم شدند. این دین برای یک ملت چه می‌آورد؟ ایثار، استقلال، شجاعت، استقامت در برابر خطر و بعد هم قدرت و... . محرم به نوعی سرچشمه‌ی این‌هاست؛ نیروبخش و تثبیت‌کننده! از مسائل مهم قدرت‌آفرین برای یک ملت، وحدت آن‌هاست و اباعبدالله (ع)، محور اصلی وحدت‌بخش مردم مسلمان ایران است؛ نقطه‌ی عطف! و قیام او، سیاسی‌ترین مسئله است؛ ظلم‌ستیزانه است و در نهایت مظلومیت، قدرتمندانه است. هیئات حسینی، بینش‌بخش و تفکرساز است و سال‌هاست که در نسل ما، جریان

امسال هم در ایام محرم، شاهد جنگ رسانه‌ای و غیره علیه این ایام و حرمت‌گذاری‌های مردم مسلمان (و حتی غیر مسلمان) به این روزها بودیم. یکی از نمونه‌های آن، هشتک «محرم لباس مشکی نپوشید» بود و انواع و اقسام استوری‌نوشت‌ها و تصاویری که سعی در گسترش آن‌ها شده‌بود.

آنچه می‌خواهم بگویم، معطوف رفتارهای ضدانسانی آن‌هایی که مدت‌هاست در صفحه‌های مجازی خود از «دین من انسانیت است» می‌گویند، نیست. از طرفداران «زن، زندگی، آزادی» و بازی‌های آن‌ها با لفظ «آزادی» هم نیست؛ که برای اعتقاد بخش اعظم جامعه‌ی مسلمان ایران، ذره‌ای آزادی هم قائل نیستند. در رابطه با انتشار عکس‌های توهین‌آمیز و هتک حرمت‌ها به پرچم اباعبدالله (ع) توسط افرادی که اعتقاد دارند، «هر عقیده‌ای حائز احترام است»، هم نیست؛ که پرچم اباعبدالله (ع) بعد از ۱۴۰۰ سال بالابودن، خدشه‌ای از این گزافه‌بافی‌ها نخواهد چشید؛ هم این‌که شیرمردانی چون «شهید امیر حسین‌پور»، یکی و دوتا نیستند که اجازه‌ی پیاده‌ساختن این‌گونه نقشه‌ها و برنامه‌های از پیش تعیین‌شده و خبیثانه را بدهند و از آن بگذرند. از علت این بالا و پایین پریدن‌های اپوزیسیون و امثال آن برای کم‌رنگ کردن رنگ محرم و صفر در زندگی مردم ما می‌گویم؛ از «ما باید محرم و صفر را زنده نگه‌داریم» و «هرچه داریم از محرم است» و «این محرم و صفر است که اسلام را نگه‌داشته‌است» خمینی عزیز (ره) می‌گویم و از «هیئت سکولار نداریم» و «استکبار جهانی از عاشورا می‌ترسد» رهبری.

آنچه استحکام سنگر ایستادگی مردم ما را ضمانت می‌کند، دلبستگی محرم با دل‌های ملت ما و خاک کشور ماست. انقلاب اسلامی ایران، از ابتدا هم مخالفانی داشت که بخواهند بر روی تضعیف آن کار کنند. گاه تنها به این خاطر که این

از مسائل مهم قدرت‌آفرین برای یک ملت، وحدت آن‌هاست و اباعبدالله (ع)، محور اصلی وحدت‌بخش مردم مسلمان ایران است؛ نقطه‌ی عطف! و قیام او، سیاسی‌ترین مسئله است؛ ظلم‌ستیزانه است و در نهایت مظلومیت، قدرتمندانه است. هیئات حسینی، بینش‌بخش و تفکرساز است و سال‌هاست که در نسل ما، جریان یافته‌است و جریان‌ساز شده‌است

در بین عامه‌ی مردم، افزایش داده‌است و مشق آزادگی مردم این خاک شده‌است؛ این مردم پیاده‌کردند آموخته‌های خود را، با خون خود، در انقلاب اسلامی و در دفاع هشت ساله‌ی مقدس، در جای‌جای این خاک و لحظه‌لحظه‌ی این سال‌ها. این ایستادگی غیورانه، بی‌شک از جایی جز اسلام و حبّ وطن سرچشمه و از جایی جز قیام مقدس حسین‌بن‌علی (ع) قدرت نمی‌گیرد. به این خاطر است که این مسئله، هدف اصلی قرار می‌گیرد تا شاید پاشنه آشیل جمهوری اسلامی ایران، هدف قرار گرفته‌باشد.

یافته‌است و جریان‌ساز شده‌است. سیاسی‌بودن هیئت‌ها و رد مراسمات سکولار، محدود به سال اخیر نمی‌شود که ما محرم سال ۱۳۴۲ را داریم که در راهپیمایی روز عاشورا، مردم به تظاهرات علیه انقلاب سفید پرداختند؛ هیئت بنی‌فاطمه، که به‌صورت دسته‌های سینه‌زنی در بازار تهران حرکت کرده و نوحه‌ها و اشعاری در حمایت از امام خمینی (ره) می‌خواندند؛ و سخنرانی‌های شیخ فضل‌الله محلاتی و شیخ علی‌اصغر مروارید در شب‌های محرم که شاه را می‌کوبیدند؛ و شهید مطهری را که پس

# خانه‌ای آغشته با عطر حسین (ع)

هیئت بستری برای تربیت و رشد

اولین تجربه نویسندگی

● ریحانه صالحی فر - کارشناسی علوم تربیتی

ولایت‌پذیری یاران امام حسین (ع)، حرّ الگوی خطاکاران، برخورد امامان با دشمنان آگاه و یا فریب‌خوردگان. البته مسئله‌ی الگوسازی عزاداری، به همین جا ختم نمی‌شود؛ بلکه هرکدام از شرکت‌کنندگان عزاداری، مثل علماء، مداحان و مجریان مجالس عزا، اصناف گوناگون مردمی، گروه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می‌توانند برای دیگران الگو باشند. از آن جایی که انحصار و اکتفا برگریستن و زیارت‌کردن برای زمانی است که هیچ باب دیگری گشوده نباشد. زمانی که راه باز است و دوستان حسین‌بن‌علی (ع) می‌توانند به راه حسین روند، اگر نرفتند و تنها گریستند منحرف شده‌اند. آنچه سر امام عظیم‌الشأن ما را بر سر نیزه‌ها برد، همین اشتباه و کوتاهی بود که مردم مصداق عینی حق و باطل را ندیدند و اسلام را در گذشته نگه داشتند، تا اینکه کار آن‌ها به جایی رسید فرق علی‌بن‌ابیطالب (ع) را برای عدالت‌خواهی شکافتند و فرزند پیامبر (ص) را بر ریگ‌های سخت و داغ کربلا ذبح کردند. حال اگر ما از رشد صحبت به میان می‌آوریم، اگر انتظار داریم تا با شرکت در عزاداری و هیئت تربیت شویم، مبادا گریستن بر حسین را تنها برای ثواب انتخاب کنیم و از تشخیص صف یزید و شمر با صف حسین زمان خود بازمانیم. بپاخیزید تا در هیئت‌های خود عامل تأثیر‌گذاری و رشد باشیم؛ حال بیاییم تا مبلغ قیام مردمی باشیم که در میدان عمل و اعتقاد جان فدا کرد و تا روز قیامت پیروز میدان حق گردید. کربلا و گودال قتلگاه نمایشگاه حق و باطل بود. تصویر این قیام خونین را در هیئات و هرجا که هستیم نمایان‌تر کنیم. این حقیقتی ناب است که بر اساس وعده‌ی الهی عظمت و تأثیر این واقعه در جهان هیچ‌گاه فراموش نخواهد شد؛ اما سهم ما به عنوان شیعه‌ی علی (ع) در حمایت از حق چه خواهد بود؟ اگر طالب ظهور حسین زمان خود هستیم، باید در صف لشکریان حقانیت قرارگیریم؛ چون قبل از ظهور آخرین حجت خدا (عج) حق و باطل به طور کامل از هم جدا شده و بر همگان آشکار می‌گردد؛ همان‌طور که رهبر انقلاب نیز بیان داشته‌اند «هیئت، محل جهاد تبیین است.»

می‌دهیم و بازگویی آنچه اصل مطلب است را از بستر عزاداری‌ها برمی‌چینیم و خود را گرفتار هیئتی سکولار و دنیایی می‌کنیم، آیا شایسته است که توقع تغییر و رشد داشته باشیم؟ آیا می‌توان انتظار داشت تا از بستر این هیئات فرزندان ما یا خود ما چنان تربیت شویم که سردار سلیمانی، محسن حججی و مجید قربانخانی دیگری باشیم؟ نمی‌توان انکار کرد که با همین هیئت‌ها و بازوان قدرت آن‌ها بوده که چنین افرادی پرورش یافته‌اند؛ بال‌های پروازی چون آرامش روانی از راه ارتباط مجدد با مرکزیت هستی، رشد اخلاقی، بصیرت‌افزایی، هویت‌سازی فردی، الگوسازی و الگوپذیری حسینی، رشد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تخلیه‌ی هیجانات درونی به روش مثبت، افزایش هوش هیجانی و هوش اجتماعی.

آنگاه که نوحه‌خوان یادآور می‌شود مردی که بر حق بود، با مظلومیت تمام و در اوج مصیبت و اندوه باز هم ذکر توکل برآفریدگار خود را زیر لب زمزمه می‌کرد؛ قلب تو تسکین یافته و درمی‌یابی که در دنیای پر هیاهوی امروز هنوز جای امید هست. تلاش فرد در عزای امام حسین (ع) برای متناسب‌کردن عزاداری با الگوهای دینی و پرهیز از تقلید مراسم‌های غیردینی، متناسب‌بودن با زمان و مکان با توجه به شیوه‌های صحیح عزاداری و نیز تعامل مناسب با عوامل این عزاداری، هر کدام به نوبه‌ی خود می‌تواند تقویت هوش هیجانی را به دنبال داشته باشد یا تعاونی که در راستای انجام امور این مراسم‌ها حاصل می‌شود؛ مانند پخش نذورات موجبات مشارکت اجتماعی و در نتیجه رشد هویت اجتماعی را فراهم می‌کند. حتی زمانی که به دنبال معیاری برای سنجش عمل خود جهت رشد و ارتقاء هستی، هیئت بستری مناسب برای این امر است. وجود الگو، آثار گوناگونی چون: هدف‌گذاری، انگیزه‌بخشی، تقویت اراده، واقع‌نگری و استفاده از تجربه‌های نظری و عملی را به همراه دارد. زندگی امامان، برای همه‌ی مقاطع رشد انسان، از کودکی، نوجوانی و جوانی گرفته تا میان‌سالی و کهن‌سالی، درخور الگوپردازی است؛ از جمله: زینب کبری (س) الگوی کاملی برای جامعه‌ی بانوان،

زمانی که آمده‌ای تا با غیرت خود حماسه‌ای شگرف برپا کنی؛ زمانی که آمده‌ای ژرف‌اندیشی در حق و باطل، ظالم و مظلوم و... را ترویج کنی؛ زمانی که آمده‌ای عرفان و حقیقت‌نگری را حیاتی نو بخشی و بر سر پیمان خود با آن که شایسته و بایسته‌ی پرستش است، بسته‌های جانبازی کنی؛ آیا توقع داری که به یاد نمایی و اثر نگذاری؟! حسین‌بن‌علی (ع) برای اثبات اثرگذاری قیام خونین خود بر رشد روح و تربیت نفس انسان‌ها نیازی به دلیل و برهان ندارد. او آمده‌است؛ با تمام وجود خود، با تمام هستی خود تا تنها با یک جمله حقانیت خود را اثبات کند و چنان تربیتی را برای مَترَبی خود حاصل کند که هیچ مَرَبی در عالم برای او فراهم نخواهد کرد. «مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است.»

مقابله با ظلم و باطل و عدم سازگاری با این امور در جامعه، فراموش نکردن حمایت از مظلوم، به یاد داشتن اصل دین و ممانعت از حرام خدا را حلال شمردن و بالعکس، نهراسیدن از مرگ در پشتیبانی از حق و حقانیت، پرهیز از حرام‌خواری و...؛ ادعاهایی آشنا! پله؛ ما مسلمانان به‌ویژه شیعیان در تمام طول زندگی خود در هیئات و مراسم‌های عزاداری حسینی تمام این مفاهیم را بارها شنیده‌ایم. درس‌هایی آموزنده از حسین‌بن‌علی (ع)، گوهرهایی همچون یاقوت سرخ که پیشوای سوم شیعیان با قطره‌قطره‌ی خون گرمی خود برای تمام انسان‌های آزاده‌ی این کره‌ی خاکی بر جای نهاده‌اند؛ اما آیا تنها با شنیدن چنین سخنانی روح و نفس تو تکامل پیدا می‌کند؟ حال ای شنونده‌ی صرف، در راه حق جانبازی می‌کنی؟ آیا حاضری در عین حقانیت و در اوج مظلومیت دست از تمام دنیای خود برداری و جان خود و اهل و عیال خود را تماماً فدا کنی؟

تمام آنچه برای رشد، ترقی و تربیت شدن نیاز است بهره‌برداری از ثمرات این حرکت عظیم و عمل‌کردن به آن است؛ اما زمانی که ما متأسفانه اندکان‌اندک به سمت ظاهرگرایی حرکت می‌کنیم و ارزش هیئت، عزاداری و سوگواری برحق و حقیقت را تنها بر گریستن و سینه‌زنی صرف و پخش نذورات تقلیل

## تقدس جاهلانه

جستاری بر بدعت‌های نوین

● محدثه مولایی - کارشناسی مطالعات زنان و خانواده

جلوه می‌دهند و همین سفره‌ی رنگارنگ، می‌شود موی بیرون‌زده از روسری بانوان یا قسم دروغ بازاریان و یا دروغ مصلحتی دوستداران ما و هزاران گناه دیگری که با بدعت‌گذاری به مرور زمان زیبا جلوه داده می‌شود. وقتی مداح معروفی لاک سیاه بانویی را لایق قسم‌دادن می‌داند، این می‌شود بدعت. حال می‌تواند این بدعت ایجاد شده از جانب مداح، آگاهانه باشد یا ناآگاهانه. همین می‌شود بهانه‌ی دست دشمن تا رفته‌رفته حسین (ع) را با حسین‌خواهان از بین ببرد. درحالی‌که می‌توان با همین مداحی‌ها و حرف‌ها بانوان جامعه را آن‌طور که در خور شأن ایشان و دم‌ودستگاه امام حسین (ع) است راهی هیئت کرد. گاهی هم مواجه هستیم با بانوانی که در مجالس اهل بیت (ع) در جمع مردان سخنرانی می‌کنند و برچسب افراطی‌گری را بر پیشانی آمران به معروف می‌کوبند که مگر غیر این است؛ حضرت زهرا (س) و همچنین دختر بزرگوار ایشان حضرت زینب (س) در جمع مردان خطبه خواندند و صد البته که خطبه‌های اثرگذاری هم خواندند؟ آری؛ اما در چه شرایط و در چه موقعیتی؟ در شرایطی که دین خدا را در خطر دیدند، آن هم زمانی‌که حسین و عباسی نمانده بود. همین کم‌کاری معلمین، روحانیون و همچنین مسئولین در نشناساندن دین برای جوانان و مردم باعث می‌شود در مقابل، شیاطین با لباس تقوا وارد عرصه شوند و حرف‌های متناقضی از جمله این‌که دین هیچ موجودیتی ندارد و فقط باید دلت پاک باشد را به خورد این ملت و جوان‌ها می‌دهند. همین یک جمله عاملی می‌شود برای به‌حاشیه‌راندن دین و شریعت خداوند.

همین شمایل زیبا داشتن باعث جذب جوانان و آن‌هایی می‌شود که باطن دین را به‌خوبی نشناخته‌اند و به مرور باعث جدایی از دین یا از طریق افراط یا تفریط می‌شوند. به نظر همین بدعت‌ها باعث به‌وجود آمدن تفکرات داعشی، وهابیت و بهائیت شده که هیچ‌کدام از این فرقه‌ها را نه تنها مسلمانان قبول ندارند بلکه با توجه به قرآن جزء مشرکان نیز هستند. سؤال اینجاست؛ آن‌هایی که باطن دین را به‌خوبی شناخته‌اند و نه تنها ظاهر دین بلکه باطن آن را با تمام وجود پذیرفته‌اند، چه وظیفه‌ای دارند؟ اینجاست که سخن رهبری تبلور پیدا می‌کند. تبلیغ دین توسط این افراد با گشاده‌روی یا همان جهاد تبیین؛ که وقتی به گفته‌ی رهبری تبیین جهاد می‌شود؛ یعنی تکلیفی بر روی دوش همه‌ی مسلمانان است. جهاد فقط مبارزه در مقابل استکبار با سلاح نیست بلکه جهاد قدم‌هایی است که برای گسترش اسلام از راه درست برداشته می‌شوند. امروز جامعه‌ی ما دارد از این جهاد، گاهی پا عقب می‌گذارد. گاهی امر به معروف و نهی از منکر در همین جامعه کم‌رنگ جلوه می‌کند و همین، عرصه را برای تاختن همه‌ی آن‌هایی که با صورتی زیبا وارد دین شده‌اند تا سیرت آن را از بین ببرند باز می‌گذارد. دین و شریعت را همان انسان‌هایی که فقط ظاهر آن را شناخته و تفکری نسبت به باطن آن ندارند و هر حرفی که در ظاهر زیبا باشد را به دین و خدا نسبت می‌دهند و با ندانم‌کاری از بین می‌برند، خیلی‌ها با نقشه‌ها و طرح‌های قبلی این کار را می‌کنند و بسیاری از آن‌ها مسلمان‌هایی هستند که شاید خواسته و یا ناخواسته دارند سفره‌ی انداخته‌ی شیاطین را زیباتر

سخن ابتدایی را با معنای بدعت در عرف و لغت آغاز می‌کنم؛ چراکه این واژه‌ها هستند که می‌توانند چیزی را بی‌ارزش و بی‌اهمیت جلوه دهند و یا چیزی را در حد اعلا، بالا ببرند. بدعت یعنی چیزی نو پدیدآوردن به اسم دین یا پیرامون دین در حدی که تجاوز اندک یا بعضی مواقع زیادی به دین داشته‌باشد یا شریعت را به اسم دین گسترش‌دادن و یا تصرف در شریعت به اسم دین. بدعت‌ها و نوآوری‌هایی در شریعت وجود دارد که از ابتدا با شریعت نبوده و بعدها با توجه به دوران و اتفاقات به شریعت اضافه شده‌است. به عنوان مثال پیاده‌روی اربعین در شیعیه و یا سوگواری برای امام حسین (ع). این‌گونه بدعت‌ها را می‌توان جزء بدعت‌های خوب یا خیر دانست. در عین حال بدعت‌هایی هستند که نه تنها باعث تحول شریعت نمی‌شوند بلکه باعث به‌انزوارفتن شریعت شده و در چارچوب شریعت نیز قدم بر نمی‌دارند بلکه هم از دین و هم از شریعت تجاوز می‌کنند. نمونه‌ی آن کارهایی است که شیعه‌های انگلیسی انجام می‌دهند و یا مساجدی که نه تنها رفت‌وآمد بلکه نماز همجنس‌گرایان را هم در آن مساجد برپا می‌دارند؛ آن هم به بهانه‌ی اینکه خدا و حسین برای همه است و خیلی حرف‌های دیگری که جای بحث در اینجا را ندارند. می‌توان اربعین حسینی را بدعت ندانست بلکه نوعی نوآوری در دین دانست که باعث شناخته‌شدن اسلام و حقانیت اسلام در جهان می‌شود؛ ولی خیلی از رفتارهایی که بعضی‌ها به اسم دین انجام می‌دهند، نه تنها باعث خیر، نوآوری و پویایی در دین نیست بلکه تجاوز از حدود خداوندی است. البته با شمایل زیبا که

انجمن اسلامی دانشگاه الزهرا (س) در صفحات مجازی:

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: هدیه گیاه‌تازه

سرمدبیر: رقیه خادم‌نیا

@anjoman\_islami\_alzahra

@anjomanalzahra

هیئت تحریریه: فاطمه خلیلی‌یگانه، محدثه مولایی، نرگس علی‌نقیان، نرگس خطیب، زهرا محمدی، ریحانه صالحی‌فر

شماره تماس: ۰۶۸۴۷۰۰۶۳۹۱۰۰۲۶ / ۰۲۱۸۸۰۴۸۰۲۶

صفحه آرا: زهرا جعفری